دکتر حسن افراخته
دانشگاه تربیت معلم تهران

تجارت فرامرزی، سیطرهٔ شهری و تغییر کارکرد روستایی

مورد: ناحیهٔ روستایی زاهدان

چکیده

مقالهٔ حاضربا تکیه بر بررسی میدانی در نواحی روستایی ناحیهٔ مرزی زاهدان، نشان می‌دهد که در اثر توسعهٔ تجارت فرامرزی و سیطرهٔ روز افزون مراکز شهر ی (شهر زاهـدان)، کـارکرد سـنتی ناحیـهٔ روستایی زاهدان تغییر کرده است. کشاورزی از تولید نیازهای مـصرفی مـردم فاصـله گرفتـه اسـت. سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی دارند و درآمد بـه دسـت آمـده از فعّالیتهـای تجـاری رکـن اساسی اقتصاد روستایی را تشکیل می دهد. اما به دلیل نبود سازماندهی فعّالیتهای تجاری، روسـتاییان در واقع حق العمل کار تجّار شهری‌اند. تجّار شهری از فرصت استفاده کرده سهمیه ای را که دولت جهت تأمین معیشت روستاییان اختصاص داده، تصاحب کرده و نوعی تجارت متکی بـه یارانـه سـازمان مـی دهند. آنها کالاهای مصرفی و کشاورزی وارد می کنند که موجب تضعیف بنیان اقتصادی منطقه شده و نقشی منفی در توسعهٔ ناحیه ایفاء می‌کند.

کلمات کلیدی: کارکرد روستایی، زاهدان، تجارت مرزی، سیطرهٔ شهری، نقش خوابگاهی

درآمد:

کارکرد نواحی روستایی در کشورهای اروپا یی سه مرحلهٔ متفاوت را پشت سر گذاشته است:

اولین مرحله زمانی بود که جوامع اروپایی، به ویژه اروپای شمال غربی، غالباً روستایی بودند واقتـصاد روسـتا مبتنی بر تولیدات کشاورزی بود که با تولیدات تجاری و صنعتی شهرها مورد معاوضه قرار می گرفت.

در دومین مرحله پس از انقلاب صـنعتی و تحـوّلات ناشـی از آن، کـارکرد نـواحی روسـتا یـی بـه طـرف وابستگی فزاینده به اقتصاد شهری پیش رفت.

امروز شاهد سومین مرحله در کارکرد نـواحی روسـتا یـی کـشورهای غربـی هـستیم کـه در اثـر تحـوّلات اقتصادی، آینده شهرها و روستاها و کارکرد آنها به گونهٔ یکسانی شـکل مـی گیـرد. بـه طـوری کـه نیوبـای[1] می گوید برای اولین بار از زمان انقلاب صنعتی و تحوّلات تکنولوژیکی نواحی روستایی اجازه می‌یابنـد کـه بـا شهرها از نظر فرصتهای شغلی رقابت کنند (Davoudi and Dominic, 2003:269-277).

تحوّلات مراحل سه گانهٔ کارکردی نواحی روستایی کشورهای غربی در کشور ما نیز در جهتی مشابه اما بـا کیفیتی کاملاً متفاوت اثر گذاشته است.

مطالعاتی که در کشورهای شرقی، به طور اعم، و کشور ایران، به طور اخص، صورت گرفته نشان می دهـد که کارکرد واحد نواحی شهری و روستایی بسیار استثنایی و مربوط به دورهٔ محدود اسلامی بوده است که در آن به جای شهر و ده از منطقهٔ شهری نام می برند. در این دوره شـهر و ده از نظـر فرهنگـی ، فرهنـگ مـشترکی داشته‌اند، از نظر اقتصادی نیز جدایی میان کار و داد و ستد و کشاورزی از یکسو، و کار و داد و سـتد صـنعتی از دگرسوی، در اجتماعات شهری و روستایی به طورکامل پدیـد نیامـده بـود (اشـرف، ۱۳۵۳: ۵۰-۷) پـس از آن اگرچه بیشتر نواحی روستایی برا ساس تئوری سرمایه داری بهره بری[2] هانس بوبک در انقیـاد مالکـان شـهری بوده و آنها شیوه‌های گوناگون تسلط مطلق اقتصادی خود را بر مناطق روسـتایی اعمـال مـی کردنـد، (مطالعـات انگلیش در منطقه کرمان، کپ[3] در جلگه مازنـدران، مـؤمنی در ملایـر (مـؤمنی، ۱۳۷۷: ۱۰۰-۱۶۴) بـازن در قـم (بازن، ۱۳۶۷ : ۳۰۶-۲۳۹) و اهلرز در طـبس (اهلـرز، ۱۳۵۶: ۱۶۶-۱۷۵) و در دزفـول (اهلـرز، ۱۳۵۷: ۲۶-۲۱) بـا ایـن حال، حداقل تا سالهای ۱۳۰۰ که مقارن آغاز ادغام ایران در نظام سرمایه داری جهانی است، روسـتاها کـارکرد تولیدی به‌ویژه تولید کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی داشته‌اندکه با تولیدات تجـاری و برخـی مـصنوعات شهری معاوضه می‌شده است و صرفنظر از ماهیت شهر نشینی و روستا نـشینی و سـاز و کـار حـاکم برارتباطـات میان آنها، بیشترکالاهای مصرفی شهری در روستا ها تولید می‌شد و شهرها وابسته به روستاها بودنـد، ۸۵ درصـد جمعیت کشور روستایی بودند و نیازهایشان را خود تولید می کردند. در سالهای ۱۳۱۰ بـر اثـر افـزایش درآمـد نفتی، واردات موادّ غذایی با تولیدات روستایی رقابت کرد(سلیمی پور، ۱۹۴:۱۳۷۸ -۱۷۵). تحـوّلات ناشـی از بروز انقلاب صنعتی در غرب، در کشورما نیز موجب وابستگی فزایندهٔ نواحی روستایی ایران به اقتصاد شـهری

1. Howard Newby
2. Rental Capitalism
3. Kopp

گردید (نظریان، ۱۳۶۴: ۲۸۳-۲۶۷ و حسامیان، ۱۳۶۳: ۶۴-۳۷). به این معنی که تسلط کانونهای جهانی از طریق مراکز اصلی داخلی ، تحوّلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را به شکلی دیگر تنظیم نمود. این روند در آغاز بیشتر متأثر از روندهای ادغام در نظام سرمایه داری جهانی بود ، سپس از طریق اصلاحات ارضی و به دنبال آن، با افزایش قیمت نفت و اهمیت آن در درآمد ملی شدّت پذیرفت و تبدیل به فرآیندی شد که هم امروز نیز هر چند متأثر از عوامل متفاوتی است، ولی به جریان خودادامه داده است . بدین شکل رشد و گسترش شهرها و کارکرد اقتصادی آنها، نه براساس تقسیم کار مناسب اجتماعی ـ اقتصادی میان مراکز شهری و روستایی و تکمیل عملکرد های این دو گونه واحد زیستی، بلکه مبتنی بر جدایی گزینی و سیطرهٔ بی چون و چرای شهرها بر مراکز روستایی شکل گرفته است.

مرحلهٔ سوم تحوّلات کارکردی نواحی روستایی غرب، که متأثر ازجهانی شدن اقتصاد و تمرکز ثروت و کالاهای جهانی بوده است، نیز به شکل دیگری در کشورهای شرقی ظاهر شده است.

گسترش شرکتهای فراملی در بخش تولید فرآورده های کشاورزی (تولید بذر)، صنایع نساجی و تجارت به طور غیرمستقیم، تأثیر خود را در حذف تولیدات مصرفی روستایی به جای گذاشته و تولید از نیاز مصرفی مردم فاصله گرفته است (Chairman of KMP, 2001). از طرف دیگرسازماندهی تجارت شهر و ورود کالا به گونه‌ای است که تسلط عمده فروشی‌ها و خرده فروشی‌های شهر در تأمین انحصاری نیازمندیهای حوزه‌های روستایی از پیدایش و رشد خرده فروشی روستایی جلوگیری کرده است؛ چیزی که از آن به عنوان «قبضه کردن رفع نیازها و نیازهای زیستی روستا توسط شهر نام می‌برند که از ویژگیهای اقتصادی ممالک کم رشد است» (اهلرز،۱۳۷۳: ۶۵-۲۷).

این عملکرد نظام سلطهٔ جهانی و گره های شهری مرتبط با آنها در ناحیهٔ مرزی زاهدان کارکرد ویژه‌ای را به نواحی روستایی تحمیل کرده است. بررسی تغییر کارکر د نواحی روستایی در ناحیهٔ مرزی زاهدان تحت تأثیر عملکرد شهر زاهدان و تشعشعات نظام اقتصاد جهانی هدف اصلی نوشتار حاضر است و این فرضیه مورد آزمون قرار می گیرد که در اثر توسعهٔ تجارت فرامرزی و سیطرهٔ روز افزون مراکز شهر ی (شهر زاهدان) کارکرد سنتی ناحیهٔ روستایی زاهدان به عنوان تولید کننده محصولات کشاورزی و نیازهای مصرفی مردم تغییر پیدا کرده است؛ سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی یافته‌اند؛ در عین حال مردم به فعّالیت اقتصادی ویژه ای سوق داده شده‌اندکه نقش منفی در توسعهٔ ناحیه ایفاء می کند.

روش تحقیق و ناحیهٔ مورد مطالعه:

اساس مطالعه مبتنی بر داده هایی است که از طریق پرسشگری محلی و مراجعه به شوراهای محلی و برخی منابع در ارتباط با هدف تحقیق جمع آوری شده است.

جامعهٔ آماری تحقیق را ۱۰۷ روستای بیش از بیست خانوار حوزهٔ نفوذ شهر زاهدان تشکیل می‌دهد که جمعیتی حدود ۳۶۹۰ خانوار را در بر می گیرد. ابتدا اغلب روستاهای ناحیه مورد بازدید قرار گرفت و اطلاعات لازم در ارتباط با هدف تحقیق جمع آوری شد. بر اساس این مطالعات روستاهای مورد مطالعه به سه گروه تقسیم شد:

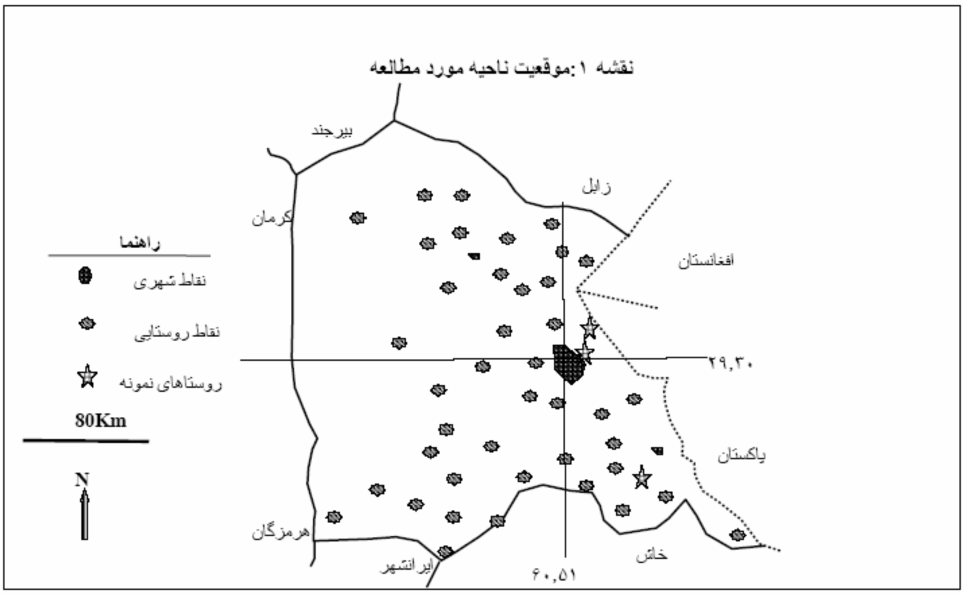
گروه اول، روستاهای برخوردار از منابع آب و خاک زراعی به طور نسبی مطلوب در فاصلهٔ دورتر از شهر که دسترسی مناسبی به محورهای تردد مرزی دارند و شامل ۳۸ روستا می‌باشد.

گروه دوم ، روستاهای کوهستانی مرزی با منابع محدود زراعی که ۳۳ آبادی را شامل می شود.

گروه سوم، کلاته‌های واقع در نزدیک شهر و برخوردار از زمین زراعی مطلوب که در آنها فعّالیتهای کشاورزی نسبت به دیگر روستاها از قدمت بیشتری بر خوردار بوده است . تعداد این آبادیها ۱۶ کلاته بوده است.

آنگاه برای حصول اطمینان بیشتر از اطلاعات به دست آمده از هریک از گروههای روستایی مزبور، یک روستا که بر اساس بررسی‌های اولیه می توانست نمونهٔ مناسبی از جامعهٔ خود باشد، به عنوان نمونه انتخاب شد و اطلاعات مورد نیاز تحقیق در این روستاها با دقّت و جزئیات بیشتری جمع آوری و ثبت گردید. به این ترتیب روستای سرگه با۱۳۶ خانوار جمعیت در فاصلهٔ ۹۰ کیلومتری شهر به عنوان روستای نمونهٔ اول، روستای لار با ۷۲ خانوار در فاصلهٔ ۲۱ کیلومتری از شهر به عنوان روستای نمونهٔ دوم و روستای همت آباد با ۹۳ خانوار جمعیت در فاصلهٔ سه کیلومتری از مرکز شهر به عنوان روستای نمونهٔ سوم گزینش شد(نقشه شماره ۱).

داده‌های جمع آوری شده از طریق آما ر توصیفی(فراوانی متغیّرها) و تشریح تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتیجه گیری شده است.



نقشه ۱ :موقعیت ناحیه مورد مطالعه

داده‌های تحقیق

اقتصاد کشاورزی

در روستاهای نمونهٔ اول در گذشته‌ای نه چندان دور، دامداری رکن اصلی اقتصاد را تشکیل می داده کـه بـر پرورش دام کوچک (میش و بـز) در کوهها و نگهداری شتر در دشتها استوار بوده است. نظام زمین داری به دلیل تسلط زندگی و خصلت عشایری، نبود زمین حاصلخیز و ضعف منابع آب جاری از موقعیّت ناچیزی برخوردار بود.

نهضت روستاسازی و فعّالیت کشاورزی پدیده‌ای نوظهور و به سالهای بعد از ۱۳۰۷ باز مـی گـردد (جانب الهی، ۱۳۷۵: ۸۲- ۵۷ ۹) که در آن ایام شهر زاهدان حدود کمتر از ۵۰۰۰ تن جمعیت داشته است.

با شکل گیری کشاورزی، گندم عضو اصلی ساختار زراعی مصرفی را تشکیل می داد که همـراه یونجـه در حد مصرف دامها تولید می‌شد. در روستاهای نزدیکتر به شهر، سبزی و صیفی نیزبه منظور فروش در بازار تولید می‌شد.

نظام بهره‌برداری کشاورزی مبتنی بر سهم بری بود. سهم برزگر یک سوم محصول بود و دو سوم تولیـد بـه مالـک زمـین تعلـق داشـت کـه سـهم اربـابی براسـاس حـق آب بـین تیـره هـای مالـک (ریگـی هـا) تقـسیم

می‌شد(زندمقدم، ۱۳۷۰: ۳۵۹-۳۴۵). عدم تخصص رعایای روستا، سهم آنان را با در نظر گرفتن سهم مولوی به کمتر از یک سوم محصول تنزّل داده بود. اشتغال نیروی کار افغانی در تولید زراعی ناحیه در سالهای اخیر نیز وضعیت سهم بری را همچنان تداوم بخشیده است.

روستاهای نمونهٔ دوم به تبعیّت از ساختار طبیعی خود بیشتر از راه فعّالیتهای دامداری گذران زندگی می کردند. این فعّالیت اکنون به شدّت رو به افول گذاشته است. تولید گندم، جو و صیفی سنتی نیز جای خود را به تولید و کشت یونجه داده که پدیده‌ای جدید در ناحیه است.

در روستاهای نمونهٔ سوم (نزدیک به شهر) نظام زراعی مبتنی بر نصفه کاری بود. زیرا بزرگ مالکان زمین که یک تن رئیس مالیه زاهدان (کسروی) و دیگری از افسران ارتش (سر تیپ تاجبخش) بوده، به دلیل تخصصی بودن کشت و این که زارعان متخصص را از ناحیهٔ یزد به خدمت گرفته بودند؛ به نصفه‌کاری رضایت داده بودند. در واقع تخصص سنتی زارع در تولید برای رعیت موقعیت بهتری به همراه آورده بود (فشارکی،۱۳۷۰). به همین دلیل از سال ۱۳۲۴ نظام سهم بری به اجاره داری تبدیل شده بود.

اصلاحات ارضی دهۀ ۴۰ در روستاهای نمونهٔ اول و دوم تأثیری نداشت، زیرا به دلیل برتری نظام قبیله‌ای و قدرت مالکان، زارعان به عنوان خرده مالک به مأموران اصلاحات ارضی معرفی شده بودند و دولت نیز انگیزه‌ای برای دخالت و برخورد با بزرگ مالکان نداشته است. اما زارعان روستاهای نمونهٔ سوم (همت‌آباد) تحت تأثیر مفادّ مرحلهٔ سوم قانون و با توجیه برخی روحانیون مبنی بر این‌که زارع باید رضایت مالک را جلب کند، اقدام به خرید زمین زراعی می‌نمایند.

تقریباً در همه نواحی به تدریج بهره‌برداری از منابع آب با استفاده از آب قناتها و حفر چاههای عمیق گسترش یافت که بهره‌برداری زراعی در اثر خشکسالی سالهای ۴۷- ۱۳۴۴ در برخی نواحی نوساناتی می‌پذیرد.

پس از انقلاب اسلامی کارگران افغانی در روستاهای نمونهٔ اول جانشین برزگران بومی می‌شوند که به تناسب اشتراکات قومی، جذب آن نواحی شده‌اند. رعایای سابق بومی به کارگران و کسبهٔ شهری تبدیل شده‌اند. کشت خود مصرفی گندم و جو نیز به نفع کشت تجاری یونجه در همه جا عقب‌نشینی کرده و این یک قانون در نظام زراعی ناحیه بوده است. در روستای نمونهٔ اول قلمرو کشت یونجه به ۵۰ درصد کل اراضی زیر کشت افزایش یافته و کشت گندم تنها ۳۳/۵ درصد اراضی را به خود اختصاص داده است. بالاخره صیفی و سر

درختی ها به ۱۶/۵ درصد اراضی تنزّل پیدا کرده است و در روستاهای نمونۀ دوم و سوم به جرأت می‌توان گفت که علوفه تنها محصول زراعی است.

عوامل مؤثر در این وضعیت عبارت اند از:

– گسترش شهر زاهدان و افزایش جمعیت آن به حدود ۵۱۸ هزار تن، تقاضای بازار فرآورده‌های دامی را افزایش داده است. در نتیجه توسعۀ دامداریها منجر به افزایش تقاضای یونجه تولیدی شده است.

با توجه به ویژگیهای خاص توسعۀ شهری علاوه بر دامداریهای صنعتی، در کلیۀ مناطق حاشیه‌ای شهر اغلب مردم تعدادی دام برای رفع نیاز شخصی و یا پروار آن نگه می‌دارند که آنان نیز از خریداران علوفۀ تولیدی هستند که توسعۀ حمل و نقل نیز به این امر کمک کرده است.

– رقابت درآمدهای حاصل از مبادلات فرامرزی سبب شده است که زارع فعّالیتهای تولیدی کم زحمت‌تر را ترجیح دهد تا فرصت کافی برای فعّالیتهای واسطه‌گری مرزی داشته باشد. از این رو به کشت یونجه روی آورده که پس از کشت اولیه بدون نیاز به فعّالیت زراعی عمده تا هفت سال قابل برداشت می‌باشد.

– افزایش هزینۀ ماشین آلات کشاورزی، هزینۀ تولید گندم را بالا برده است . برای کشت یک هکتار گندم با استفاده از ماشین آلات سالیانه به ۳۰ هزار تومان نیازمند است و در قبال آن با قیمت جاری سال ۱۳۸۳، تنها ۴۱۲ هزار تومان درآمد ناخالص داشته است. درآمد ناخالص جو ۷۵ هزار تومان بوده است، در صورتی که کشت یونجه با همین مقدار هزینۀ اولیه کشت تا هفت سال محصول می‌دهد و درآمد ناخالص سالیانه آن بر حسب ۸ ماه برداشت در سال (از اواخر فروردین تا آبان ماه) حداقل یک میلیون تومان بوده است.

– خط مشی دولت مبنی بر ارائه آرد و نان یارانه ای و همین طور ارائه انواع سبوس یارانه ای به دامداران (Un Mission report, 2000:16) سبب شده که تولید محدود گندم و جو نیز وارد مبادلات تجاری ناحیه گردد و تولیدات محدود روستاییان در بازار به فروش می رسد.

تولید صنعتی روستایی

تولید صنعتی در روستاهای ناحیه جایگاهی ندارد. در سال ۱۳۷۰ با استفاده از امتیازات دولتی دوکارخانه در روستای نمونۀ اول تأسیس شد.

کارخانه اول کارخانه چتایی بود که مواد اولیه آن از شبه قاره هند وارد می شد و حدود ۲۰ تن از کـارگران محلی را به استخدام در آورده بود. فعّالیت غیر منظّم کارخانه بالاخره در سال ۱۳۸۰ منجر بـه تعطیلـی کارخانـه شد.

کارخانهٔ دیگر کارخانه پلاستیک سازی بود که از محل تجهیز و تدارک صندوق حمایت از فرصـت‌هـای شغلی جهت ایجاد اشتغال نیروهای بومی تأسیس شده بود. ایـن کارخانـه نیـز کـارایی لازم را نداشـت، فعّالیـت دولت جهت واگذاری کارخانه به بخش خصوصی نیز ناکام مانده و بالاخره به تعطیلی کامل کارخانه انجامید.

علت اصلی حذف فعّالیتهای صنعتی آن بود که نیروی کار بومی به دلیل رقابت درآمد حاصـله از فعّالیتهـای تجاری مرزی حاضر به کار در بخش صنعت نبود. استفاده از نیروی کار افغانی به دلیل مقرراّت دولتی و بیمـه‌ای با مشکل روبرو بود و تأمین کارگر از شهر زاهدان نیز به دلیل هزینه و وقت لازم برای رفت و آمد برای کارفرما مقرون به صرفهٔ اقتصادی نبوده است.

در روستاهای نمونهٔ دوم تولید صنعتی محدود به صنایع دستی بافت لباس بلوچی بوده است.

فعّالیت صنعتی در روستای نمونهٔ سوم به دلیل مجاورت به شهر به کارگاههای گچ بری، موزائیـک‌سـازی، تولید بلوکهای سیمانی محدود می‌شود و کارخانهٔ تولید پنیر روستا به دلیل این که بتواند از مزایای وام و اعتبارات دولتی استفاده کند، اجباراً به شهرک صنعتی شهر منتقل گردید.

فعّالیتهای تجاری:

تجارت رکن اساس اقتصاد روستایی در روستاهای نمونهٔ اول است. به دلیل مجاورت با مرز و گسترش شهر زاهدان جریان تجاری به شکلهای مختلفی در ناحیه رواج دارد.

ورود کالای مرزی توسط افراد دارای کارت تردد مرزی: این افراد اغلب روستاییان و مهاجران بی‌بضاعتی هستند که به صورت حق العمل کاری برای صاحبان سرمایه شهری کارمی‌کنند. آنان در قبـال ورود هـر گـونی برنج ۵۰۰۰ ریال و در برابر ورود هر جعبه نارنگی ۳۰۰۰ ریال حق الزحمه دریافت می دارند.

براساس یک برآورد ۳۰۰۰ تن در صادرات و واردات غیر مجـاز مـرزی فعّالیـت دارنـد و ۳۰۰ وانـت بـار جهت حمل بار از مرز میـر جـاوه بـه شـهر زاهـدان مـورد اسـتفاده قرارمـی‌گیرنـد (جمـالزهی، ۱۳۶۹: ۷۰). تـاجر واردکننده، کـالا را درآن سـوی مـرز بـه سـرگروه واسـطه‌هـا تحویـل مـی‌دهـد و در بـازار شـهر زاهـدان از او

بازمی‌ستاند. هر ۲۰ تن از آنها زیر نظر یک سر گروه کار می کنند. کالاهای رسیده بـه عمـده فروشـی زاهـدان مجدداً برای تأمین برخی نیازهای مصرفی مردم و مغازه‌های روستایی به ناحیه برگشت داده می‌شوند.

تولیدات روستایی در تجارت فرامرزی نقشی ندارند، زیرا تولید عمدهٔ آنان یونجه و محدودی گنـدم اسـت که وارد بازار زاهدان می‌شود.

بنابراین فعّالیتهای تجاری فرامرزی یکی از اشتغالات مردم روستایی ناحیه است کـه نقـش رقـابتی منفـی در گسترش تولید ناحیه به عهده دارد.

تولیدات پنبه‌ای محلی ناحیه و صنایع ریسندگی و بافندگی سـنتی وابسـته بـه آن بـا رقابـت واردات پارچـه هندی به طور کلی از صحنهٔ ناحیه رخت بر بسته است (افراخته، ۱۳۸۳). واردات تولیـداتی چـون خربـزه کویتـه، نارنگی پنجاب، موز سند، چای سیلان و برنج پاکستان که در کشتزارهای وسیع مکانیزه و با استفاده از نهاده‌های مدرن تولید می‌شود، نقش رقابتی نه تنها در تولید ناحیه بلکه تولیدات زراعی کشور اعمال می کند.

از روستاهای نمونهٔ دوم تنها شیر درسطح محدودی توسط یک خانوار دامدار به طور روزانه وارد بازار شهر می‌شود که در قبال آن کلیهٔ نیازهای روستایی و حتی علوفهٔ دامها از شهر زاهدان تأمین می‌شود.

یونجهٔ تولیدی روستاهای نمونهٔ سوم به دوصورت وارد بازار می‌شود. گاهی پس از برداشت توسط زارع در عمده فروشی شهر به فروش می رسد و زمانی دامداریهای شهر برحسب میزان زمین یونجهٔ تولیدی را خریداری و خود به تدریج اقدام به برداشت محصول می‌نمایند. بخش عمده‌ای از محصول ایـن بخـش توسـط دامـداران سنتی حاشیه‌نشین‌های شهر زاهدان خریداری می‌شود.

فرصت‌های شغلی

برآورد نمونه‌ای نشان مـی‌دهـد کـه جمعیـت ناحیـهٔ روسـتایی در حـال افـزایش اسـت. در فاصـلهٔ سـالهای ۷۵-۱۳۶۵ جمعیت حوزهٔ نفوذ شهرستان زاهدان ۵/۷ درصـد افـزایش یافتـه اسـت (سرشـماری عمـومی نفـوس و مسکن شهرستان در سالهای مربوط). برآورد نمونه‌ای واقعیات بیشتری را از افزایش جمعیت روستاهای ناحیه نشان می‌دهد. در روستاهای نمونهٔ اول سرمایه‌گذاریهای دولتی به عنوان حمایت از توسعهٔ کشاورزی در مرمّت قناتها موجب به کارگیری جمعیت مهاجر در این نوع فعّالیتها شده است. جمعیّت مهـاجر افغـانی همچنـین جـایگزین برزگران بومی شده‌اند که به دلیل برتری فعّالیتهای مبادلات فرامرزی جذب این گونه فعّالیتها شـده‌انـد و امـروزه

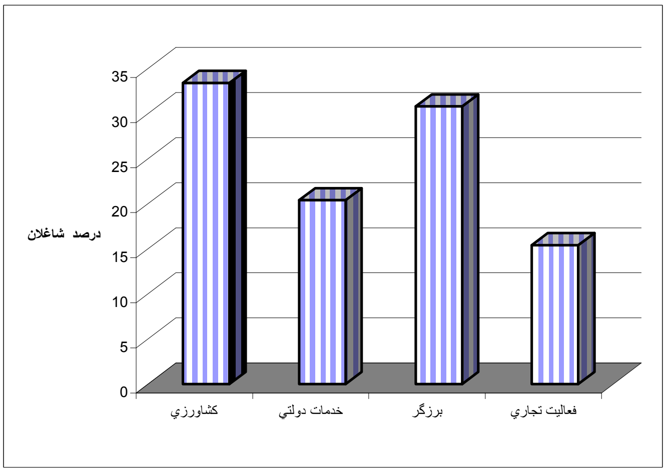
هیچ بومی‌ای دیده نمی‌شود که به عنوان برزگر کار کند و این وظیفه را به مهاجران افغان سپرده‌انـد. جـدول ۱ و نمودار ۱، ترکیب شغلی جمعیت روستای نمونه اول را نشان می‌دهد که بر اساس آن فعّالیتهای تجاری رقم قابـل توجهی را نشان می دهد.

جدول ۱. ترکیب شغلی جمعیت روستای سرگه(۱۳۸۳)

نوع فعّالیت	تعداد خانوار	درصدخانوار
کشاورزی (خویش فرما)	۴۵	۳۳/۴
خدمات دولتی شهر زاهدان و میر جاوه (ساکن روستا)	۲۸	۲۰/۴
برزگر سهم بر	۴۲	۳۰/۸
فعّالیتهای تجاری (ساکن روستا)	۲۱	۱۵/۴
جمع	۱۳۶	۱۰۰

منبع : بررسی محلی(۱۳۸۳)

نمودار ۱: ترکیب شغلی جمعیت روستای سرگه به درصد



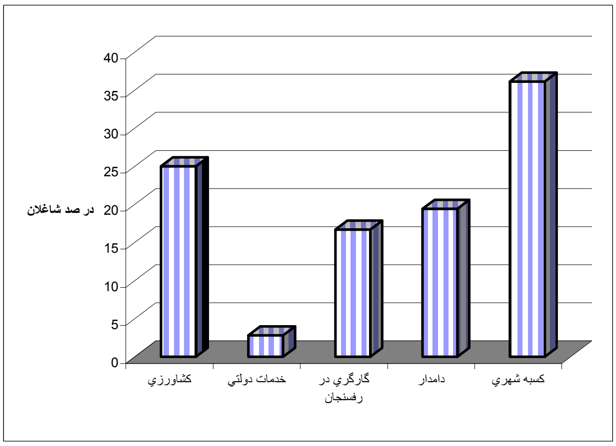
علاوه بر آن افراد خانواده های کشاورز و یا برزگر و شاغلان بخش خدمات نیز درصورت یافتن فرصت و رونق مبادلات فرامرزی از این منابع نیز برخوردار می شوند .ترکیب شغلی روستاهای نمونۀ دوم در جدول۲و نمودار۲ نشان داده شده است .

جدول ۲. ترکیب شغلی روستای لار پایین(۱۳۸۳)

نوع فعّالیت	تعداد خانوار	درصد
کشاورزی (ساکن روستا)	۱۸	۲۵
کارمند شهرهای زاهدان و زابل (ساکن روستا)	۲	۲/۸
کارگری در باغ های پسته رفسنجان(ساکن روستا)	۱۲	۱۶/۷
دامدار(ساکن روستا)	۱۴	۱۹/۴
مغازه دار و کاسب شهر زاهدان (ساکن روستا)	۲۶	۳۶/۱
جمع	۷۲	۱۰۰

منبع: بررسی محلی (۱۳۸۳)

نمودار ۲: ترکیب شغلی روستای لار پایین



نکتهٔ قابل توجه آن که برخی از خانواده ها (۲۵ خانوار) در طول سال تحصیلی ساکن زاهدان بوده و در اولین فرصت تعطیلات به روستا باز می گردند.

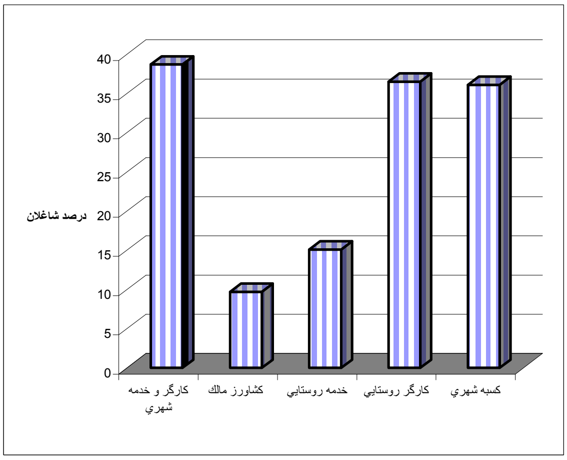
ویژگی شغلی روستاهای نمونهٔ سوم به دلیل نزدیکی بـه شـهر ترکیـب پیچیـده‌ای دارد کـه در جـدول۳و نمودار۳ درج شده است.

جدول شماره ۳. ترکیب شغلی جمعیت روستا ی همت آباد(۱۳۸۳)

نوع فعّالیت	تعداد خانوار	درصد خانوار
کارگر ، کسبه ، راننده و کارمند شهر زاهدان (ساکن روستا)	۳۶	۳۸/۷
کشاورز مالك (ساکن روستا)	۹	۹/۷
کسبه و کارمند روستایی (ساکن روستا)	۱۴	۱۵/۱
کارگر کارگاههای روستایی و کارگربخش کشاورز روستایی(ساکن روستا)	۳۴	۳۶/۵
جمع	۹۳	۱۰۰

منبع : بررسی محلی(۱۳۸۳)

نمودار۳: ترکیب شغلی جمعیت روستای همت‌آباد



بر اساس جدول و نمودار، ۳۸/۷ درصد ساکنان روستا را کارکنان قشر فقیر شهر زاهدان تشکیل می‌دهد که به دلیل ارزانی قیمت زمین و خرید زمین غیر قابل کشاورزی روستا به آنجا روی آورده اند (قیمت‌متوسط زمین هرمتر مربع ۵۰۰۰۰۰ریال در شهر و ۲۰۰۰۰ ریال در روستا) محلهٔ « چلی آباد» در فاصلهٔ بین شهر و روستای همت آباد در سالهای اخیر ایجاد شده که افراد آن را مهاجران فقیر افغانی تشکیل می‌دهند که بیشتر در فعّالیتهای تجاری غیر مجاز اشتغال دارند و تأثیر منفی در سکونت روستا به جای می گذارند.

بحث (تحلیل داده‌ها)

جدول شماره۴ نشان می‌دهد که سکونتگاههای روستایی از کارکرد سنتی خود یعنی تولید فرآورده‌های کشاورزی مصرفی فاصله گرفته است. تولیدات سنتی روستایی از بین رفته است. مردم ناحیه به مصرف کننده مواد غذایی (گندم، برنج، چای) و انواع میوه (انبه، خربزه، نارگیل، موز و ...) کشتزارهای مدرن شبه قاره هند تبدیل شده‌اند که در واقع تولیدات شرکت‌های فراملی‌اند. به هر حال برای تأمین بذر مورد نیاز (بذریونجه) در آغاز هر فصل کشت مجبور به مراجعه به واسطه های وارد کننده می‌باشند. تولید یونجه به عنوان مهمترین محصول تجاری ناحیه بیانگر گسترش فعّالیت زراعی نیست، بلکه بیانگر آن است که به دلیل رقابت محصولات وارداتی از یک طرف و رقابت فعّالیتهای مجاز و غیر مجاز تجاری شهری و مرزی از سوی دیگر، تولید ناحیه اعم از زراعی یا صنعتی مقرون به صرفهٔ اقتصادی نیست. اگر تولید یونجه استمرار دارد به دلیل آن است که این کشت به نیروی کار و زحمت کمتری نیاز دارد و به آسانی توسط دامداریهایی که در مراکز شهری توسعه یافته‌اند، خریداری می‌شود. به همین دلیل هرچه به مراکز شهری نزدیکتر می‌شویم تولید یونچه به تنها محصول زراعی تبدیل می‌شود ولی در روستاهای دورتر از شهر هنوز تا حدودی تولید گندم رایج است.

جدول شماره ۴: روند تحول کارکردی نواحی روستایی

روستاهای نمونه	کارکرد سنتی (تولید سنتی)	کارکرد کنونی				
		تولید کشاورزی و سطح زیر کشت به درصد		تولید صنعتی	اشتغال عمده دیگر مردم	نقش سکونتی
گروه اول	گندم، جو، دامداری	یونجه گندم صیفی و سر درختی	۵۰ ۳۳/۵ ۱۶/۵	کارگاه گچ بری، موزاییک، بلوک سیمانی	فعّالیت تجاری مرزی، خدمات شهر میرجاوه و زاهدان	محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده های روستایی
گروه دوم	تولید گندم، جو، سبزی و صیفی	یونجه و نگهداری دام	۱۰۰	—	کارگری در باغ های رفسنجان	محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده های روستایی
گروه سوم	تولید گندم،جو، سبزی و صیفی	یونجه	۱۰۰	—	کارگری و کارمندی در شهر و روستا	محل سکونت برخی کارکنان شهرها و خانواده های روستایی

منبع: بررسی محلی

بنابراین در حذف فعّالیتهای تولیدی کشاورزی رقابت فعّالیتهای تجاری مرزی نقش مهمی داشته است و صنایع روستایی به دلیل رقابت فرصت‌های شغلی و درآمدی تجارت فرامرزی در ناحیه جایگاهی ندارد. به دلیل واردات تولیدات مصرفی غربی، به‌ویژه تولیدات جنوب و شرق آسیا، تولیدات صنایع قدیمی و شبه کارگاهی ناحیه قدرت رقابت نداشته و از گردونهٔ تولید خارج می‌شوند. همان‌گونه که تولید پنبه و تولیدات ریسندگی و بافندگی سنتی وابستهٔ آن در ناحیه در اثر ورود پارچه و بافته‌های هندی حذف شده‌اند.

تجارت فرامرزی نقش مهمی در اقتصاد روستایی بازی می‌کند، اما روستاییان نقش واسطه‌هایی را به عهده دارند که توسط تجار شهری، واردکنندگان مرزی و بین المللی به خدمت گرفته شده‌اند، زیرا سرمایه، مهارت و سازماندهی لازم را برای ایجاد تجارت متوازن و رقابتی در ناحیه ندارند. آنها درآمد به طور نسبی بالایی دارند، اما این درآمد قابل اتکا نبوده و در واقع به مویی بند است؛ به همین دلیل نمی‌تواند نقشی شایسته در توسعهٔ ناحیه

ایفـا کنـد و بـا انـواع چالـشهای محیطـی، اجتمـاعی، اقتـصادی، فرهنگـی و بهداشـتی روبـرو هـستند. (Poureslami & others,2004:20-33).

واردات یکطرفه کالاهای مصرفی و صدور غیر مجاز کالاهای اساسی و یارانه‌ای بنیـان اقتـصادی ناحیـه را تضعیف می‌کند. توزیع کالاهای وارداتی نیز به گونه‌ای است که عمده فروشی‌ها و خرده‌فروشی‌هـای شـهر در تأمین نیازمندیهای حوزه‌های روستایی تسلط کامل داشته و از پیدایش و رشد خرده‌فروشی روستایی جلـوگیری کرده‌اند؛ زیرا بازرگانان در آن سوی مرز کالا را به واسطه ها تحویل می‌دهند و در بازار چهـارراه رسـولی شـهر زاهدان آن را تحویل می‌گیرند به همین دلیل قیمت کالاهای وارداتی درشهر زاهدان به مراتب ارزانتـر از قیمـت آن در روستاهای مجاور مرزی است.

جابجایی نیروی کار پیچیدگی بیشتری دارد. به طور سنّتی روستاییان به صورت روزانـه، دوره‌ای یـا فـصلی برای کار به مراکز شهری می‌روند و به روستای خویش باز می‌گردند. در مواردی ایـن حرکـت بـه مهـاجرت دائم تبدیل می‌شود. مهاجرت روستاییان ناحیه به عنوان کارمند،کارگر و کاسب به مراکز شهری نمونه‌ای از این حرکات است و یا مهاجرت نیروی کا ر روستایی ناحیه به صورت فصلی به باغهـای پـستهٔ رفـسنجان بـه عنـوان نمونهٔ دیگری قابل ذکر است. پدیدهٔ جدید در حرکت نیروی کار ناحیـه آن اسـت کـه گروهـی بـرای کـار از مراکز شهری به کارگاههای مراکز روستایی مراجعه می‌کنند، که در واقع نوعی رقابت مراکز روستایی با مراکز شهری از نظر ارائه فرصت‌های شغلی است. این حرکت با حرکت شاغلان کم درآمد شهری برای اسـکان بـه مراکز روستایی تکمیل می‌شود. این حرکت موجب توسعهٔ مراکز سکونتی در روستای همت‌آباد و پیرامون آن شده است. بنابراین برخلاف گذشته مرسوم جمعیت حوزه نفوذ روستایی کاهش نمی‌یابد و مانـدگاری جمعیت روستایی بیشتر شده است.

آنچه که به خوبی محسوس است، آن است که جمعیت قصد ترک دائمی روستا را ندارنـد زیـرا از طرفـی نیروی پس ران شهری اجازهٔ ورود افراد روستایی به شهر را نمی‌دهد و از طرفی مالکیّت زمین از احترام خاصـی برخوردار است و موجب دلبستگی مردم روستایی به آب و خاک اجدادی مـی‌شـود؛ موضـوعی کـه موجـب می‌شود جمعیت روزی خود را در فاصلهٔ ۷۰۰ کیلومتری بجوید و آن را در روستای فقیر اجـدادی بـه مـصرف برساند. بدین‌گونه است که روستاهای در فاصله ۹۰ کیلومتری نیز نقش خوابگاهی پیدا کرده‌اند و جمعیت بومی برخلاف عدم اشتغال در آنجا اسکان می‌یابد.

نواحی روستایی شاهد سرمایه‌گذاری محدود دولتی در توسعهٔ منابع آب و خاک و حمایت از قشر آسیب‌پذیر است که اهمیت بسزایی در ایجاد اشتغال روستایی دارد، اما اولاً این نوع سرمایه‌ها به هر حال نوعی تزریق سرمایه بدون بازگشت است و از سودآوری آن نمی‌توان اطمینان داشت، ثانیاً نسبت به تداوم این نوع سرمایه‌گذاری اطمینانی وجود ندارد. گذشته از اینها ناحیهٔ روستایی قادر به جذب سرمایه‌گذاری صنعتی و مولّد بخش دولتی و یا خصوصی نبوده است. به دلیل موقعیت مرزی روستاها و رقابت فعّالیتهای تجاری فرامرزی، سرمایه‌گذاری تولیدی از میدان رقابت حذف شده و روستاها را از موقعیت تولیدی به موقعیت خوابگاهی تبدیل می‌کند. بنابراین نمی‌توان دیگر از روستا به عنوان ناحیهٔ کشاورزی یاد کرد که پدیده‌ای نوظهور در ناحیه است.

نتیجه‌گیری

بررسی نشان می‌دهد که روستا از کارکرد تولید سنتی کشاورزی خارج شده و جنبهٔ خوابگاهی پیدا می‌کند. بنابراین دیگر از ناحیهٔ روستایی نمی توان به مثابه ناحیهٔ کشاورزی یاد کرد.

گسترش تجارت فرامرزی اولین عامل مهم این تغییر کارکرد بوده است، زیرا از طرفی موجب توسعهٔ مشاغلی چون دستگردانی کالا در ناحیه شده است و از طرف دیگر واردات کالاهای کشاورزی و صنعتی شرق آسیا و شبه قاره هند را به ناحیه تسهیل کرده است . بنابراین تولید سنتی روستایی ناحیه از نظر اقتصادی قدرت رقابت نداشته و به نفع واردات کالاهای مصرفی از گردونهٔ تولید خارج شده است. از این رو روستا نقش تولیدی ندارد.

توسعهٔ تجارت فرامرزی که خود نقشی اساسی در رشد سریع جمعیتی شهر زاهدان داشته همراه با گسترش مشاغل خدماتی در شهر گروههای متعدد اجتماعی و درآمدی را در ناحیه جذب کرده‌اند که اقشار فقیر برای سکونت خود متوجه روستاهای مجاور شهر شده‌اند. سکونتگاههای دور از شهر نیز نقش خوابگاهی یافته‌اند زیرا ساکنان آن تولیدی ندارند اما به دلیل اشتغال در ناحیهٔ مرزی و بی ثباتی درآمد قادر به ترک روستا و اقامت در مراکز شهری نیستند. گروههای ثروتمند شهری نیز از سرزمین اجدادی خود دل نکنده و در آن اقامت دارند.

منابع و مآخذ:

۱. اشرف، احمد،۱۳۵۳، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران، دورهٔ اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران دورهٔ۱، شماره ۴.

۲. افراخته. حسن،۱۳۸۲، *انبساط ایستا در قلمرو تولیدات پنبه ای در استان سیستان و بلوچستان*، مجموعه مقالات نخستین همایش ایران در آیینهٔ استانها، بنیاد ایرانشناسی.

۳. اهلرز. اکارت،۱۳۵۶، *روابط شهر وروستا درایران*، طبس به‌عنوان یک نمونه، مقالات چهارمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه مشهد.

۴. اهلرز. اکارت،۱۳۷۳، *شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت*، تحریر جدید از محمد حسن ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیا یی، شماره ۳۲.

۵. بازن. مارسل،۱۳۶۷، *قم شهری زیارتی و مرکز منطقه*، ترجمهٔ ابوالحسن سرو قد مقدم، مجموعه مقالات جغرافیا، شماره ۴، آستان قدس.

۶. جانب الهی. محمد سعید،۱۳۷۵، *نظامهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ سرحد* (نمونه‌طایفه‌ریگی)، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۱.

۷. حسامیان. فرخ و اعتماد. گیتی،۱۳۶۳، *شهر نشینی در ایران*، انتشارات آگاه، تهران.

۸. زند مقدم، ۱۳۷۰، *حکایت بلوچ*، کتاب دوم، انتشارات مرکز تحقیقات خلیج فارس.

۹. سلیمی فر. مصطفی،۱۳۷۵، *روند تغییرات نابرابریهای شهری — روستایی در ایران دوره ۱۳۴۵*، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۷۸.

۱۰. فشارکی. پریدخت، ۱۳۷۰، *جغرافیای روستایی ایران*، جزوهٔ درسی.

۱۱. مؤمنی. مصطفی،۱۳۷۷، *پایگاه علم جغرافیا درایران*، جلد اول، انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری‌اسلامی ایران، تهران.

۱۲. نظریان. اصغر؛۱۳۶۵، *سیر تحول روابط شهر و روستا درایران*، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره۱، آستان قدس.

13. Chairman of KMP, 2001: (Kilusang Magbubukidng PilipinasPeasant Movement of the Philippines, Croomhelm.London.

14. Davoudi.Simin and Dominic Steda, 2003: Urban- Rural Relationships, Built nvironment, Vol 28, no 4, pp 269-277.

15. Poureslami M.Iraj.and others, 2004: "Socio- cultural, environmental and health challenges facing women and children living near the borders between Afghnistan, Iran and Pakistan, "Journal of international women's studies, November 2004,pp:20-33.
16.Un Mission, 2000: The Drought situation In the Islamic republic of Iran , Tehran, Islamic Republic of Iran.